نگاه درون

یک سر بریده آمریکایی در مقایسه با ۱۸ سر بریده سوری

اردشیر زارعی‌قنواتی

● گروه تروریستی داعش بار دیگر با گردن‌زدن یک امدادگر آمریکایی نزدیک به شبه‌نظامیان سوری، به‌نام «پیتر کسیگ» به صدر اخبار برگشت و جهان غرب را نسبت به جنون خشونت‌طلبی این گروه در وحشت فروبرد. تیتر تمامی اخبار رسانه‌های بین‌المللی بعد از این اقدام، تمام‌قد به تصویر و اسم کسیگ که گویا به‌تازگی به اسلام هم گرویده و نام «عبدالرحمن» را برای خود انتخاب کرده بود، مزین شد و تنها حاشیه کوچکی از آن به گردن‌زدن حدود ۱۸ نظامی سوری که همزمان در ویدیوئی در کنار گروگان آمریکایی با سبعیت بسیار بیشتر به نمایش درآمد، اختصاص یافت. در اینکه گردن‌زدن یک گروگان آمریکایی توسط داعش از آن درجه از اهمیت برخوردار است که رسانه‌های جهان و افکارعمومی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد جای بحث و تعجبی ندارد، اما بی‌اعتنایی و کم‌اهمیت‌دادن به گردن‌زدن حدود ۱۸ سوری در تیتر و تحلیل رسانه دقیقا همان نکته انحرافی و معیار دوگانه است که تصویر کلان مبارزه با تروریسم بنیادگرای داعشی را زیر سوال می‌برد. در حالی که داعش و تروریسم لجام‌گسیخته بنیادگرایی دینی در خاورمیانه و به‌خصوص در سوریه و عراق دشمنان خود از شیعه و سنی، کرد و عرب، مسیحی و ایزدی را در کنار گروگان‌های غربی به‌صورت سیستماتیک زیر ضرب قرار می‌دهد، در آن‌سوی ماجرا ظاهرا هنوز مدعیان مبارزه با تروریسم و داعش در حال سواکردن و انتخاب بین خوب و بد این قربانیان تروریسم هستند. جواب این سوال و دلیل بقای داعش در منطقه به گفته ژنرال «مارتین دمپسی» رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا «تغییر توازن قدرت در جنگ علیه داعش است. او می گوید نبرد علیه این گروه جهادی ممکن است سال‌ها به‌طول بکشد.» در طول همین هفته «باراک اوباما» رییس‌جمهوری آمریکا در یک اظهارنظر کاملا متناقض، تصمیم گرفت تا با تغییر استراتژی خود در قبال تحولات سوریه مبارزه با گروه داعش را با تقویت شورشیان مخالف «بشار اسد» برای سرنگونی حکومت این کشور پیوند بزند. ظاهرا توجیه اوباما برای رویکرد جدید خود بر این پایه استوار است که شکست داعش بدون سرنگونی اسد امکان‌پذیر نخواهد بود. این در حالی است که ارتش سوریه هم‌اکنون در کنار پیشمرگه‌های کرد از جمله در کوبانی در خط مقدم مبارزه با گروه‌های تروریستی همچون داعش و جبهه‌النصره قرار داشته و بیشترین هزینه را پرداخت می‌کند. تجربه تاریخی هم به وضوح نشان داده است تمامی تلاش غرب، ترکیه و کشورهای عرب حامی شورشیان سوریه تا به امروز تنها به تقویت گروه‌های جهادی منجر شده و در عالم واقعیت در میادین جنگ سوریه چیزی به‌عنوان شورشیان میانه‌رو و ارتش آزاد سوریه با تصویر یک آلترناتیو انقلابی و ارتش آزادیبخش هرگز وجود خارجی نداشته است. به همان دلیلی که مبارزه با گروه داعش در عراق بدون هماهنگی با دولت بغداد، ارتش این کشور، پیشمرگه‌های کرد و جذب نیروهای شبه‌نظامی قبایلی سنی هرگز قابل‌تحقق نبوده و رهبران واشنگتن نیز بر این واقعیت صحه گذاشته‌اند، در سوریه نیز نقض این قاعده و عدم ایجاد هماهنگی بین تمامی نیروهای فعال و میدانی مخالف داعش، نه‌تنها نمی‌تواند مسیر پیروزی بر تروریسم را هموار کند که حتی بر پیچیدگی امور و گسترش بسترسازی برای تقویت گروه‌های تروریست همچون داعش منجر خواهد شد. تا زمانی که آمریکا و متحدان غربی- خاورمیانه آن در چارچوب منافع ژئوپلیتیک خود استراتژی جنگی خویش علیه گروه داعش را تنظیم می‌کنند و در یک‌جا دشمن و در جای دیگر همسو با هم قرار می‌گیرند، هیچ پایانی بر آنارشی حاکم بر منطقه و یکه‌تازی تروریسم بنیادگرا قابل‌تصور نخواهد بود. تصور سرنگونی اسد برای سامان‌بخشیدن به اوضاع منطقه و شکست تروریسم جهادی در خوشبینانه‌ترین حالت یک خیال باطل است که تحت هیچ توجیهی با واقعیات موجود همخوانی ندارد. ظاهرا واشنگتن و متحدان غربی آن از تجربه شکست‌خورده و فاجعه‌بار لیبی درس‌های لازم را نگرفته‌اند و همچنان بر یک رویکرد به‌شدت غلط و بی‌ثبات‌کننده پافشاری می‌کنند. در شرایطی که یک سر بریده آمریکایی دنیایی را آشفته می‌کند و چندین‌روز می‌تواند تیتر اصلی رسانه‌های بین‌المللی باشد، اما در کنار همان سر، ۱۸ سر بریده دیگر هم بر خاک افتاده و حساسیت چندانی را ایجاد نمی‌کند، داعش و تفکر تروریسم جهادی در منطقه خاورمیانه به حیات و ممات خود ادامه خواهد داد. رزمندگان و به‌خصوص دختران جوان کوبانی به‌خوبی نشان دادند این داعش نیست که قدرتمند و شکست‌ناپذیر است، بلکه رمز بقای آنان در آنارشی حاکم بر منطقه و نگاه سودمندگرایانه بازیگران ذی‌نفع در چارچوب امیال ژئوپلیتیک است که به این گروه اجازه می‌دهد همچنان جایگاه خود را در موقعیت بی‌ثبات عراق و سوریه حفظ کند. در حالی که هرعقل سلیمی می‌پذیرد که فروپاشی ساختار سیاسی- نظامی سوریه در شرایط کنونی می‌تواند به هرج‌ومرج بیشتر و ایجاد بستر مساعد برای رشدونمو گروه‌های تروریستی و جهادی منجر شود، هرگونه پیوندزدن مبارزه با داعش با سرنگونی اسد در خدمت همین آنارشی و تقویت تروریسم بنیادگرا خواهد بود. راه عاقلانه و منصفانه در مخالفت با اسد در وضعیت کنونی از مسیر تلاش برای دموکراتیزه‌کردن ساختار سیاسی سوریه و اقدام برای مصالحه ملی می‌گذرد. تلاش برای تعیین یک نقشه‌راه جهت گفت‌وگوهای ملی در چارچوب‌گذار سیاسی و مصالحه ملی، تنها راه پیش‌رو برای حفظ ثبات و منکوب‌کردن تروریسم است و هراستراتژی به غیر از آن به بیراهه ختم می‌شود که همه‌روزه باید شاهد سرهای بریده و شهرهای ویران‌شده بود.

عکس: الجزیره

عربستان، امارات و بحرین سفرای‌شان را به قطر بازمی‌گردانند

آتش اختلافات فروکش کرد

قیام‌های خاورمیانه و موضع‌گیری‌های قطر، سال گذشته شکافی میان کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس ایجاد کرد؛ شکافی که اگرچه به ماه‌ها بحث و جدل منجر شد، اما عمق آن کمتر از آن بود که به بن‌بستی بی‌بازگشت ختم شود. هشت‌ماه پیش عربستان، امارات و بحرین در اقدامی بی‌سابقه و در اعتراض به سیاست‌های دولت قطر در حمایت از «اخوان‌المسلمین» مصر، سفرای خود را از دوحه فراخواندند اما اواخر روز یکشنبه و در پایان نشست اضطراری از پیش اعلام‌نشده، این سه کشور در عربستان بالاخره اختلافات خود را کنار گذاشتند و اعلام کردند سفرایشان را به قطر بازمی‌گردانند. در بیانیه منتشرشده در وب‌سایت رسمی شورای همکاری خلیج‌فارس آمده است این توافقنامه با هدف همبستگی و اتحاد سیاسی بین اعضای شورا امضا شده و امید می‌رود فصل جدیدی در روابط سیاسی بین کشورها گشوده شود به‌ویژه در زمانی که کل منطقه درگیر شرایط حساس و ویژه است. در این بیانیه همچنین تاکید شده است در چنین شرایطی «باید تلاش‌های مضاعف» برای تامین امنیت منطقه صورت بگیرد. اگرچه این دولت‌ها، قطر را به حمایت از اخوان‌المسلمین و گروه‌های اسلامی دیگر متهم می‌کردند، اما برخی از کارشناسان بر این باورند که این تنها بخشی از اختلافات این کشورها بوده است. «جوزف کشیشیان» نویسنده ارشد «گالف‌نیوز» در گفت‌وگو با «الجزیره» مشکل را فراتر از اختلافات بر سر اخوان‌المسلمین دانست و گفت: «مسایل خطرناک دیگری وجود دارند. اختلاف اصلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، مساله افزایش افراط‌گرایان یمن، سوریه و مصر بوده است. این کشورها در این زمینه اختلاف‌نظرهای عمیقی داشتند و در مواردی هم تصمیماتی برای مصالحه گرفته شده است.» اخیرا برخی کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس از تشکیل ائتلاف جدیدی علیه افراط‌گرایان لیبی و یمن خبر دادند و برخی بر این باورند که با حل اختلافات این شورا با قطر احتمال این وجود دارد که این کشور ثروتمند نیز به این ائتلاف بپیوندد. در همین حال، رسانه‌های دولتی و مفسران نزدیک به حکومت در کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس خواستار پایان اختلاف‌های سیاسی و اتحاد در مواجهه با گروه موسوم به داعش شده‌اند. کارشناسان دیگری نیز بر این باورند که علت اصلی فراخوانی سفیران عربستان، امارات و بحرین از دوحه دستیابی به مدارکی است که نشان می‌دهد قطر از گروه‌هایی که در راستای براندازی حکومت در عربستان و نیز از حوثی‌ها در جنوب عربستان که با ارتش ریاض در جنگ و گریزند، حمایت مالی می‌کند. با این حال، بسیاری از ناظران همچنان رویکرد قطر در برابر اخوان‌المسلمین را مهم‌ترین محل اختلاف کشورهای همکاری شورای خلیج‌فارس می‌دانند. هشت‌ماه پیش این کشورها، دولت قطر را متهم کرده بودند که با حمایت از گروه اخوان‌المسلمین و گروه‌های اسلامی دیگر، امنیت داخلی این کشورها را به خطر انداخته است. دولت‌های عربستان سعودی و امارات‌متحده‌عربی، همراه با حکومت‌های مصر و بحرین همگی اخوان‌المسلمین و سایر گروه‌های اسلامگرا را «تروریست» و دشمن قلمداد می‌کنند. این در حالی است که در آن زمان حکومت قطر به میزبانی از این گروه‌ها و پخش سخنرانی‌های یکی از رهبران آن علیه حکومت امارات‌متحده عربی متهم شده بود. اما بعد از گفت‌وگوهای بسیار و ماه‌ها فشار سیاسی، قطر اخیرا حاضر شد اعضای ارشد اخوان‌المسلمین در دوحه را وادار به ترک این کشور کند. اکنون به نظر می‌رسد با انعطاف‌پذیری قطر و بالاگرفتن بحران‌های خاورمیانه، کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس، مهیای همبستگی می‌شوند. بیانیه عربستان، قطر و بحرین پس از نشست اضطراری این سه کشور نیز گویای این مدعاست؛ بیانیه‌ای که هدف از بازگشت سفرای آنی سه کشور به قطر را، حفظ همبستگی و اتحاد بین اعضای سازمان همکاری‌های خلیج‌فارس بیان می‌کند.

در این بیانیه آمده است: «توافق برای بازگشت سفرا به دوحه، نویددهنده گشایش فصلی جدید در مناسبات، به‌ویژه با توجه به شرایط حساس منطقه است.» بحرین، امارات و عربستان همراه با عمان، کویت و قطر، شش کشور شورای همکاری خلیج‌فارس را تشکیل می‌دهند. سردشدن روابط این کشورهای نفت‌خیز، بر فعالیت‌های این شورا نیز تاثیر گذاشته بود. در این میان برخی بر این باورند که ایالات‌متحده نیز برای ازمیان‌برداشتن شکاف میان این کشورها میانجیگری کرده است. ایالات‌متحده از متحدان نزدیک شش کشور پادشاهی شورای همکاری خلیج‌فارس و قطر نیز میزبان یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه است. تنش میان قطر و عربستان به سال ۱۹۹۲ و اختلافات مرزی میان دو کشور بازمی‌گردد. محور اصلی اختلافات نوار ۲۵ کیلومتری جنوب قطر و خلیج سیلفا در جنوب‌غرب قطر است. در آن سال نیروهایی از عربستان به خاک قطر حمله برده و پایگاه مرزی الخفوس را اشغال کردند. در پی این بحران، کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس و ایالات‌متحده وساطت کردند، اما این اختلافات همچنان پابرجاست. از دیگرسو در سال ۱۹۹۵ در جریان کودتا علیه امیر وقت قطر، مسوولان قطری از ردپای سعودی‌ها در این ماجرا پرده برداشتند. یک‌دهه بعد و در سال ۲۰۰۲ شبکه الجزیره قطر برنامه‌ای درباره ملک عبدالعزیز، موسس رژیم آل‌سعود پخش کرد که این برنامه موجب شد، سعودی‌ها «صالح الطعیمی» سفیر خود را از دوحه بدون اعلام قبلی فرا بخوانند. بهبودی روابط میان این دو کشور، سال‌ها طول کشید اما ابرهای بی‌اعتمادی هیچ‌گاه کنار نرفت.

دریافت پول از شاهزاده سعودی

زکریا موسوی، یکی از افراد مرتبط به حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر مدعی شده است یک‌شاهزاده سعودی پول پرداخت کرد تا عاملان انتحاری ۱۱ سپتامبر خلبانی یاد بگیرند. او می‌گوید یک شاهزاده که نامش مشخص نیست، به او و ۱۶ هواپیماربای دیگر پول پرداخت کرد تا پرواز یاد بگیرند. **(دیلی‌میل)**

اوکراین باید فدرالی شود

ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه گفت ممکن است راهی برای حل بحران اوکراین پیدا شود. او افزود: برای حل بحران کنونی این کشور باید فدرالی شود و مردمی که در مناطق جنوب‌شرقی اوکراین زندگی می‌کنند، باید حس کنند می‌توانند برای زندگی خودشان تصمیم بگیرند. **(ایسنا)**

پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری

کلاوس یوهانیس، محافظه‌کار در انتخابات ریاست جمهوری رومانی پیروز شد. ویکتور پونتا پس از شکست در این انتخابات گفت: به یوهانیس برای این پیروزی تبریک می‌گویم و مردم همیشه درست می‌گویند. یوهانیس که از اقلیت آلمانی و شهردار شهر سیبیو است، در صفحه فیس‌بوکش نوشت: ما پیروز شدیم. **(خبرگزاری فرانسه)**

خبر

از سرگیری درگیری فلسطینیان و اسراییل

● به‌دنبال کشف پیکر بی‌جان یک‌جوان فلسطینی مجددا درگیری‌هایی میان نیروهای اسراییل و فلسطینی‌ها در شهر قدس رخ داد. به گزارش الجزیره، به‌دنبال کشف پیکر «یوسف الرمونی»، جوان ۳۲ساله فلسطینی که در داخل اتوبوسی در منطقه صنعتی «جفعات شائول» در قدس به دار آویخته شده بود، درگیری‌هایی میان نیروهای اسراییل و جوانان فلسطینی در برخی خیابان‌های قدس رخ داد. شاهدان فلسطینی اعلام کردند که پس از حمله سه‌شهرک‌نشین به جوان مذکور جسد او که به‌دار آویخته شده بود، پیدا شد. این در حالی است که پلیس اسراییل مدعی شده جوان فلسطینی مذکور خودکشی کرده است، اما شاهدان عینی در فلسطین تصاویر پیکر جوان فلسطینی را که آثار ضرب‌وجرح روی جسد وی دیده می‌شد، منتشر کردند. آنان می‌گویند که جسد الرمونی به بیمارستان «هداسا» برای مشخص‌شدن دلیل مرگش انتقال یافت. همچنین یک شهرک‌نشین یهودی به ضرب چاقوی یک جوان فلسطینی در خیابان «انبیاء» در قدس زخمی شد. نیروهای اسراییل نیز در واکنش به این اقدام تمامی ورودی‌های شهر قدیمی قدس را بستند و شروع به عملیات بازرسی منازل برای یافتن جوانی که دست به این اقدام زده بود، کردند. جنبش حماس در بیانیه‌ای ضمن تبریک این عملیات تاکید کرد که این عملیات پاسخی طبیعی به ادامه تجاوزات دشمن صهیونیستی علیه ملت و مقدسات فلسطین به‌ویژه مسجدالاقصی است.

تعلیق مذاکرات صلح کلمبیا با شورشیان «فارک»

● در پی ربوده‌شدن یک ژنرال ارتش در کلمبیا «خوان مانوئل سانتوس»، رییس‌جمهور این کشور مذاکرات صلح با شورشیان فارک را به حالت تعلیق درآورد. «روبن داریو آلزاته»، ژنرال ارتش کلمبیا که رییس نیروهای عملیاتی «تیتان» در یکی از بخش‌های اقیانوس آرام را به عهده دارد، بعدازظهر یکشنبه توسط نیروهای مسلح انقلابی (فارک) به همراه یکی دیگر از مقامات نظامی و یک‌غیرنظامی دیگر ربوده شده است. سانتوس گفت: قرار بود مذاکره‌کنندگان امروز برای برگزاری دور دیگری از مذاکرات در هاوانا به آنجا سفر کنند. او افزود: هم‌اکنون من به آنها اعلام می‌کنم که دیگر نیاز به رفتن نیست و تا زمانی که این افراد آزاد نشوند مذاکرات به حالت تعلیق درمی‌آید. دولت کلمبیا با هدف حل درگیری‌ها، که در آن بیش از ۲۰۰هزارنفر کشته و میلیون‌هانفر دیگر بی‌خانمان شده‌اند، دوسال است که با شورشیان فارک مذاکره می‌کند.

طرحی اروپایی برای حل بحران سوریه

ماموریت ناممکن

نوید نزهت: «جنگ را متوقف کنید، خشونت را کاهش دهید.» این شاید الفبای برون‌رفت از هر بحران جنگی باشد، اما جنگ داخلی چنان عمیق در خاک سوریه ریشه دوانده که استراتژیست‌های بین‌المللی را به ابتدایی‌ترین راهکارها بازگردانده است. استیصال نهادهای بین‌المللی در پایان دادن به خشونت‌های جاری در سوریه که به خارج از مرزهای آن کشور نیز گسترش یافته، سبب شده است تا موفقیت هر نقشه‌راه پیچیده سیاسی در وهله اول مشروط به زمین گذاشتن سلاح‌ها از سوی هر دو طرف باشد. «استفان دمیستورا»، نماینده سازمان‌ملل‌متحد در امور سوریه نیز بر همین عقیده است. او که سه‌شنبه پیش در کنفرانسی خبری پیرامون دیدار خود با «بشار اسد»، رییس‌جمهور سوریه و وزیرخارجه آن کشور سخن می‌گفت، تصریح کرد برنامه‌ای عملیاتی برای توقف جنگ داخلی در سوریه وجود دارد که پیش از هرچیز مستلزم برقراری آتش‌بس بین طرف‌های درگیر است؛ طرحی که عملی‌بودنش به‌رغم موافقت ضمنی دولت بشار اسد برای بررسی دقیق آن، همچنان محل تردید است. با این وجود، فرستاده سازمان ملل معتقد است جنگ چنان فرسایشی شده که هیچ‌گونه چشم‌اندازی از پیروزی یکی از طرفین در آینده نزدیک متصور نیست. به باور دمیستورا، در شرایطی که در سایه ماشین جنگ داعش، نه دولت اسد و نه مخالفان میانه‌رو سوری هیچ‌کدام توانایی پیروزی بر دیگری را ندارند، طرح پیشنهادی سازمان‌ملل مبنی بر برقراری آتش‌بس در شهر بحران‌زده حلب، نه‌تنها واقع‌گرایانه بلکه به‌عنوان گام اول بسیار راهگشا خواهد بود. شاید بهتر باشد برای ارزیابی صحت این ادعا به پیش‌زمینه‌های عملیاتی آن بازگردیم. طرح پیشنهادی سازمان‌ملل درواقع ماحصل پادرمیانی و تحقیقات میدانی از سوی یک نهاد خصوصی با نام «مرکز گفت‌وگوی بشردوستانه» است که از سال ۱۹۹۹، در زمینه میانجی‌گری برای رفع منازعات به‌عنوان یکی از سازمان‌های پیشرو جهانی ظاهر شده است. این سازمان که درصدد است با استفاده از ابزار دیپلماسی، فضا را برای حل مسالمت‌آمیز منازعات مسلحانه فراهم آورد، توانسته طی سه‌سال اخیر در ۲۸ مورد به روند صلح و دستیابی به توافقات یاری رساند. مرکز گفت‌وگوی بشردوستانه که منابع مالی آن علاوه‌بر نهادهای همسو و شخصیت‌های حقیقی، از سوی دولت‌هایی چون نروژ، سوییس، سوئد، هلند، بلژیک و سنگاپور تامین می‌شود، در یکی از آخرین تلاش‌های موفقیت‌آمیز خود بر روند صلح در تونس میان اسلامگرایان و سکولارها نظارت داشته است. اما حدس این کار چندان مشکل نیست که در میان ۳۵ پروژه صلح‌آمیزی که این سازمان در بیش از ۲۰ کشور جهان از جمله نیجریه، فیلیپین، لیبی، سودان و سومالی در دست اقدام دارد، کدام‌یک چالش‌برانگیزترین ماموریت این نهاد است. از سال ۲۰۱۱ و با شدت‌یافتن بحران سوریه، مرکز گفت‌وگوی بشردوستانه یکی از معدود سازمان‌هایی است که برای دستیابی به یک راه‌حل سیاسی جامع و ماندگار، تمامی توان خود را صرف بازکردن مجاری گفت‌وگو میان دولت اسد و شورشیان مخالف آن کرده است. این تلاش‌ها شامل اعتمادسازی میان جوامع متنوع علوی، مسیحی و سنی در سوریه، رسیدگی به وضعیت نگران‌کننده کنونی اقلیت‌های سوری و چیدن نقشه عملیاتی برای مهار خشونت‌ها بوده است. این نهاد با گسترش دامنه فعالیت‌های خود طی یک‌سال گذشته و ارتباط‌گیری با گروه‌های مسلح، رهبران دینی و سیاسی و فعالان مدنی، شاید بزرگ‌ترین مرجع مطلع از جغرافیای سیاسی و عقیدتی سوریه در خلال جنگ داخلی آن کشور باشد. از همین‌روست که طرح پیشنهادی این سازمان برای برقراری آتش‌بس محلی که اولین گام در فرآیند مهار تدریجی خشونت‌ها در سوریه است، بدین حد مورد توجه نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. این سازمان در گزارشی محرمانه که بخشی از آن اخیرا توسط واشنگتن پست افشا شده، راه‌حل کوتاه‌مدت بحران سوریه را نه انتقال قدرت و نه تقسیم آن، بلکه توقف جنگ در شرایط کنونی دانسته است؛ راهکاری که حامل تنها یک پیام است: طرفین درگیر باید عدم تمرکز قدرت در سوریه را به رسمیت بشناسند. در شرایطی که به اذعان این سازمان، از یک‌سو راهبرد ایالات‌متحده برای تقویت مخالفان میانه‌رو سوری جهت غلبه بر تروریست‌های افراطی جبهه النصره و داعش به نوعی رویا می‌ماند و از سوی دیگر، دولت اسد نیز بر ناتوانی خود برای بازپس‌گیری کامل کشور واقف است، برقراری آتش‌بس در مناطق مختلف سوریه شاید به رفع کامل بحران نینجامد، اما دست‌کم باعث کاهش سطح خشونت‌ها می‌شود. به استناد گزارش مرکز گفت‌وگوی بشردوستانه، راهکار پیشنهادی همانی است که ژنرال «دیوید پترائوس» به‌واسطه آن توانست در سال ۲۰۰۷ روند روبه‌رشد خشونت را در عراق از سرعت بیندازد. براساس طرح پیشنهادی، اداره مناطقی که جنگ در آنها متوقف شده است به طرفی سپرده می‌شود که کنترل آن را در خلال جنگ برعهده داشته است. مقامات محلی نیز موظف خواهند بود به‌جای دولت اسد، به نهادی تازه‌تاسیس که به‌عنوان یک قدرت انتقالی وظیفه برقراری آتش‌بس‌ها را برعهده دارد، گزارش دهند. آتش‌بس‌های محلی طی یک‌سال گذشته در خود سوریه، از جمله در مناطقی از حمص و دمشق نیز برپا شده است. اما تجربه موفقیت‌آمیز این آتش‌بس‌های محدود نمی‌تواند متضمن موفقیت طرح پیشنهادی جدید باشد. با وجود آنکه به ادعای گزارش، سرنوشت اسد بستگی به اراده مردم سوریه دارد که پس از اصلاح همه‌جانبه قانون اساسی، در انتخاباتی با حضور ناظران بین‌المللی درباره آن تصمیم می‌گیرند، اما به‌گفته مخالفان اسد، این طرح پیشنهادی تنها در پی زمان‌گرفتن برای تجدید قوای نیروهای دولتی است که به گمان مخالفان، در اوضاع نامساعدی به‌سر می‌برند. از سوی دیگر، هنوز معلوم نیست با وجود حضور پررنگ تبهکاران داعش و هم‌پیمانان آن در سوریه، چگونه می‌توان به برقراری آتش‌بسی امید بست که یکی از اهداف اصلی خود را متحدکردن مخالفان میانه‌رو و دولت سوریه برای دفع خطر افراطیون می‌داند. در میان این‌همه اماواگر، تنها یک منظره است که تردیدی برنمی‌انگیزد: ۱۹۱هزار کشته، ۹میلیون آواره و شهرهایی که شاید دیگر نتوانند به مکان‌هایی دشوارتر برای زندگی تبدیل شوند.